



## دنیا گرایی از منظر نهج البلاغه

ناهید صالحی مستعلی بگلو

### چکیده

موضوعی که در این پژوهش به آن پرداخته شده است، بررسی دنیاگرایی از منظر نهج البلاغه می باشد. دنیا به عنوان جایگاهی که هر انسانی در آن قرار خواهد گرفت و برهه‌های از حیات انسانی خود را در آن سپری خواهد کرد، از اهمیت خاصی برخوردار است. بر همین اساس آیات و روایات درباره دنیا و دنیاگرایی فراوان آمده که بیشتر آنها به هشدار انسان از فریفته شدن وی به ظواهر فریبنده آن پرداخته، زیرا خداوند این جهان را سرای موقت و به هدف عمل در آن و اندوختن توشه برای سرای ابدی آخرت آفریده است و این حیات دنیا در مقایسه با آخرت یک متاع اندکی است که زودگذر است و قرار و ثباتی در آن نخواهد بود. در این تحقیق برای تبیین دنیا و دنیاگرایی در نهج البلاغه در ابتدا به شناخت دنیا و اقسام آن و سپس به دنیای ممدوح و مذموم و روش مواجهه با آنها پرداخته شد. روش تحقیق از نوع توصیفی و تبیینی بود. نتایج پژوهش نشان داده است که دنیاگرایی هم از دیدگاه قرآن و هم روایات و نهج البلاغه امری مذموم و بیش از آن آفت تلقی شده است. از دیدگاه نهج البلاغه مصادیق دنیاگرایی، ناعدالتی، هرج و مرج، فساد اخلاقی، وابستگی به مال و فرزند، وابستگی به علم و مقام علمی، وابستگی به پست، مقام اجتماعی می باشد. عوامل متعددی از جمله ضعف ایمان سبب دنیاگرایی می‌گردد و پیامدهای فردی دنیاگرایی در کلام امام علی (ع) در نهج البلاغه پستی و کوچکی، نارضایتی به هنگام عدالت، طمع و بردگی همیشگی، خروج از قناعت و داخل در ذلت، افزون طلبی و هلاکت ابدی، بخل و عدم انفاق، حسادت، رقابت و دشمنی برسر دنیا، بهره بردن شیطان، تجمل گرایی، مغرور شدن به دنیا می باشد.

**واژگان کلیدی:** دنیا گرایی، نهج البلاغه، دنیای ممدوح، دنیای مذموم، آخرت.

## مقدمه

دنيا با همه مواهب الهی و لذائذ در آن مقدمه رسیدن به آخرت بوده و در امتداد هم قرار دارند. انسان ها هر یک به گونه ای در آن زیست می کنند، بی آنکه توجهی به چگونه زیستن خود نمایند و آیا به هدف اصلی آفرینش خود که همان قرب الهی و نظایر حق تعالی است، خواهند رسید یا خیر؟ و به تعبیر دیگر:

رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند حیوان خبر ندارند ز جهان آدمیت

و یا اینکه تمام هم و غم خود را برای رسیدن به دنیا و رقابت بر سر متاع ناچیز دنیا خواهد گذاشت. آری رسیدن و یا نرسیدن به مقام قرب الهی نشأت گرفته از چگونگی و بهره وری از دنیاست و هر یک از جوامع و به طور اعم و بسیاری از انسان ها در جامعه ای ما به طور اخص با توجه به درجه ایمانشان به طرق مختلف به دنیا گرایش یافته و گاهی اوقات در اثر غفلت در آن غرق شده و معضلات بسیاری را برای خود و در سطح وسیع جامعه به بار می آورند و به صراحت می توان بیان کرد که اگر این بلا « دنیاگرایی » در وجود فرد رخنه کند در طی مدت زمان اندکی سبب بروز رذایل اجتماعی و اخلاقی و سقوط و هلاکت فرد در اجتماع می شود و همین دنیا نه تنها انسان را می فریبد بلکه ابزاری است در دست انسان که هم می تواند در جهت سیر الی الله از آن استفاده کند هم در جهت غیر خدایی. این مسئله حایز اهمیت است که همه انبیاء و اولیاء به انسان ها هشدار داده و از ائمه ما نیز احادیث و روایات زیادی در این زمینه نقل شده و به طور نمونه در دعای ابوحزمه ثمالی آمده که امام سجاد (ع) برای رهایی از آن از خداوند طلب یاری می نمایند، آن جا که می فرمایند: « سیدی أَخْرَجُ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي » ای سید من حب دنیا را از من بیرون ببر و نیز امیرالمؤمنان در جای جای نهج البلاغه به آن پرداخته اند و این هشدار است به انسان جهت غفلت نوزیدن به این موضوعی که همیشه با آن همراه است و زنگ بیدار باشی است برای همه انسان ها در همه اعصار تا بتواند ارتباط صحیح و منطقی بین دنیا و آخرت ایجاد نمایند و این دو مقوله را جدای از هم نپندارند چرا که گرایش افراطی به دنیا نتایج جبران ناپذیری را به بار می آورد<sup>۱</sup>.

امروزه در هر مکانی که انسان حضور می یابد صحبت از دنیا و ظواهر آن است. بسیار واضح است که هر چه انسان به سوی تجملات و جاذبه های دنیوی کشانده شود، حرص و ولع وی افزون تر و به خود مغرورتر می شود و در نتیجه برای افراد ضعیف الایمان، دین و ایمان فدای دنیای او شده و سبب طغیان وی می شود و برای رسیدن به آرزوهای نامتناهی دست به انواع رذایل زده و سبب نابودی خود و خانواده و در سطح وسیع تر افراد اجتماع می گردد و بدین ترتیب انواع فسادهای اخلاقی و فرهنگی در جامعه رواج می یابد<sup>۲</sup>. با توجه به اهمیت و گستردگی موضوع یاد شده در این پژوهش به بررسی دنیاگرایی در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام از منظر نهج البلاغه خواهیم پرداخت.

## فرضیه های تحقیق

- ۱- از نظر نهج البلاغه دنیاگرایی یک آفت است.
- ۲- مصادیق دنیاگرایی ناعدالتی، هرج و مرج، فساد اخلاقی، وابستگی به مال و فرزند، وابستگی به علم و مقام علمی، وابستگی به پست، مقام اجتماعی خودخواهی و... می باشد.
- ۳- از نظر نهج البلاغه عوامل متعددی از جمله ضعف ایمان سبب دنیاگرایی می گردد.
- ۴- از نظر نهج البلاغه پیامدهای فردی دنیاگرایی، پستی و کوچکی، نارضایتی به هنگام عدالت، طمع و بردگی همیشگی، خروج از قناعت و داخل شدن در ذلت، افزون طلبی و هلاکت ابدی، بخل و عدم انفاق، حسادت، رقابت و دشمنی برسر دنیا، بهره بردن شیطان، تجمل گرایی، مغرور شدن به دنیا و... می باشد.
- ۵- از نظر نهج البلاغه پیامدهای اجتماعی دنیاگرایی، فساد در زمین، آزار رساندن به دیگران، ظلم و ستم بر مردم، مباح دانستن حرام خداوند و استفاده از بیت المال، مسخ ارزش ها، قضاوت به سود خود، کشتن خاندان پیامبر (ص)، ایجاد فتنه و ظلم و ستم، مخالفت از دستور خداوند و رسولان او، غفلت و همراه شدن با غافلان و... می باشد.

<sup>۱</sup>- بحرانی، میثم بن علی، شرح نهج البلاغه، ص ۱۸.

<sup>۲</sup>- مطهری، مرتضی، حکمت ها و اندرزها، ص ۲۵.

### معنا و مفهوم نهج البلاغه

نَهَج، مصدر و به معنای راه آشکار و روشن می باشد. «نَهَجُ الْبَلَاغَةَ» راه و روش بلاغت و فصاحت، نهج البلاغه گزیده‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه علی ابن ابی طالب است که توسط شخصیت بزرگ شیعی به نام سید رضی در قرن چهارم هجری قمری جمع‌آوری شده است. کلام امیرالمؤمنین (ع) دو خصوصیت ویژه دارد: اول، زیبایی و فصاحت و انسجام بی نظیر که آن را «فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق» قرار داده است. دوم، تأثیر و نفوذ شگفت انگیز آن؛ به طوری که نه تنها در آن زمان، که پس از چهارده قرن هنوز هم هر شنونده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

### معنا و مفهوم دنیا

دنیا از دُنُو بر وزن «عَلُو» به معنای نزدیک است.<sup>۲</sup> و مراد آن نزدیکی است که یا با لذات و جسمانی است یا با حکم و علم. این واژه برای نزدیکی مکانی و زمانی و منزلت و مقام نیز بکار می‌رود.<sup>۳</sup> «دان و دانیه» نزدیکتر و کمتر و دنیا مونث است.<sup>۴</sup> و اگر آن را از دنیء و دنائت بگیریم به معنی پست تر و اگر از دنو به حساب آوریم به معنی نزدیکتر است و آن پیوسته وصف است و احتیاج به موصوف دارد مثل حیات دنیا، عذاب دنیا و سعادت دنیا.<sup>۵</sup> و آیه (لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) بقره/۲۲۰، تا دریا بنده حالاتی که در حیات دنیا و حیات آخرت هست باشید. گاهی دنیا در مقابل آخرت است.<sup>۶</sup> مثل آیه (خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ).<sup>۷</sup> و بنابر تحقیق بعضی از محققین در مورد دنیای مذموم و ممدوح حاصل آن این است که: «انّ الدنيا هي الحالات التي قبل الموت ...» همانا دنیا حالات قبل از مرگ است. در ادبیات فارسی دنیا به معنای: جهان، گیتی، جهانی که در آن هستیم، عالم مادی، عالم حاضر مقابل آخرت عقبی، آمده است.<sup>۸</sup> کلمه دنیا بنابر تعداد المعجم المفهرس صد و پانزده بار در قرآن مجید تکرار شده است و در تمام آنها صفات زندگی کنونی است مگر در چهار محل که صفت آسمان و کنار بیابان آمده است مثل «إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ».<sup>۹</sup>

### روش مواجهه با دنیا

- ۱- روش مواجهه ممدوح با دنیا: امام علی (ع) در خطبه ۳۲ به این موضوع اشاره فرموده اند: آن که به دنیا با دیده پند و عبرت بنگرد، بینایش می‌کند. یعنی هرکس دنیا را وسیله هدایت و ارشاد قرار دهد، از آن روشن بینی و هدایت را استفاده می‌کند. پس با دیده عبرت نگرستن به دنیا روش مواجهه ممدوح با دنیا است.<sup>۱۰</sup> و در حکمت ۱۳۱ به علل ستایش کسی که دنیا را ستوده، اشاره فرموده است که آن سه علت به شرح ذیل می‌باشد که آن فرد نیز در مقابل روشی را در پیش گرفته:
  - ۱- یاد آوری دنیا به ایشان، از بین رفتن خود را و این که بعد از آن، سرمنزل دائمی وجود دارد که باید برای آن جا کارکرد، آنان آن چه را که دنیا یادآوری کرده، متذکر شده و به کار بسته‌اند.<sup>۱۱</sup>
  - ۲- سخن گفتن دنیا راجع به این مطلب، تا این که آنان باور کردند و مورد تصدیق قرار دادند.
  - ۳- پند دادن دنیا ایشان را به عبرت‌های خود، به حدی که آنان پند گرفته‌اند.

<sup>۱</sup> - شرقی مراغه، محمدعلی، الجزء الرابع من كتاب قاموس نهج البلاغه، ص ۴۹.

<sup>۲</sup> - شعرانی، حاج میرزا ابوالحسن، دایره المعارف لغات قرآن مجید، ج یک، ص ۲۶۵.

<sup>۳</sup> - راغب اصفهانی، ابوالقاسم، المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۸۹.

<sup>۴</sup> - شعرانی، حاج میرزا ابوالحسن، منبع پیشین، ج ۱، ص ۶۸۹.

<sup>۵</sup> - قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۳۶۳.

<sup>۶</sup> - راغب اصفهانی، ابوالقاسم، المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۸۸.

<sup>۷</sup> - حج/۱۱.

<sup>۸</sup> - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۷، ص ۲۶۳.

<sup>۹</sup> - صافات/ ۶.

<sup>۱۰</sup> - همان، صص ۴۹۳-۴۹۵.

<sup>۱۱</sup> - همان، ص ۹۵.

۱-۱-۱ **روشنی مواجهه انبیا و اولیا** : در این مبحث امام بزرگوارمان در سخنانشان روش های گوناگون که مورد پسند است را بررسی نموده اند که در اینجا نظر امام علی (ع) به سه روش مواجهه با دنیا توسط انبیا و اولیا و روش مواجهه امام علی (ع) با دنیا و روش عقلا و اصحاب و خردمندان با دنیا توضیح می دهیم.

۱-۱-۱ **روشنی مواجهه پیامبر اسلام با دنیا** : در خطبه ۱۶۰ روش مواجهه پیامبران به گونه ای آمده که می توان آن را روش مواجهه ممدوح نامید. در این خطبه هدف از توییح و نکوهش ، رهانیدن مردم از دنیا و ایجاد رغبت در آن هاست ، نسبت به خداوند وعده داده است و به همین مناسبت در پی این سخنان به ذکر احوال پیامبر گرامی (ص) و دیگر پیامبران که پیشوایا بشرند و دنیا را ترک و از آن اعتراض کرده اند ، پرداخته است و به قدر ضرورت از آن بسنده کردند ، زیرا آن ها برای مردم کاملترین نمونه اند . همچنین روش آن ها دلیل کامل بر زشتی و نقص دنیا و بسیاری بدی ها و رسوایی های آن است. خداوند به وسیله جبرئیل اختیار کردن دنیا را به او پیشنهاد فرمود ، اما او از قبول آن امتناع نمود ، و فرموده است : (و اعلم ان الله ابغض شی . . . تا فی صغره) و دانست که خداوند سبحان چیزی از (علاقه به دنیا را) دشمن داشته او هم دشمن داشت و آن را خوار دانسته او هم خوار دانست . و همچنین در ادامه خطبه آمده است : « فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا بِقَلْبِهِ وَأَمَاتَ ذِكْرَهَا عَنْ نَفْسِهِ وَأَحَبَّ أَنْ تَغِيبَ زِينَتُهَا عَنْ عَيْنِهِ لِكَيْلَا يَتَّخِذَ مِنْهَا رِيَاشًا وَلَا يَتَقَدِّمَهَا قَرَارًا، وَلَا يَرْجُو فِيهَا مَقَامًا، فَأَخْرَجَهَا مِنَ النَّفْسِ، وَأَشْخَصَهَا عَنِ الْقَلْبِ، وَغَيَّبَهَا عَنِ النَّظْرِ. وَكَذَلِكَ مِنْ أَبْغَضِ شَيْئَا أَبْغَضَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ، وَأَنْ يَذْكَرَ عِنْدَهُ. . . ». این سخن اشاره به زهد حقیقی است که عبارت از حذف همگی موانع نفسانی از سیاحت نفس انسانی است و آن چه پیش از این در اوصاف آن حضرت آمده ، بیان مراتب ظاهری زهد اوست که عبارت از رفع موانع خارجی در قبال آن است<sup>۱</sup>.

۱-۱-۲ **روشنی مواجهه علی (ع) با دنیا** : نقل شده است که از آن حضرت پرسش شد : چرا بر جامه خود وصله می زنی ، فرمود : با این کار دل ، خاشع و فروتن می شود و مومنان از این کار پیروی می کنند. نیز امام در خطبه ۱۲۸ با دنیا این گونه برخورد نمودند و فرمودند : «أَنَا كَابُّ الدُّنْيَا لَوْجَهَهَا» یعنی : من دنیا را به رو در افکنده ام ، اشاره است به زهد و بی رغبتی آن حضرت به دنیا و مرتبه فضیلت آن بزرگوار ، گفته می شود : « کبیت فلا نا لوجهه » یعنی او را رها کردم و به او توجه نکردم ، (و قار ها بقدرها) یعنی به اندازه ارزشی که دنیا دارد با او رفتار می کنم و چون ارزش آن نزد آن حضرت کم و ناچیز است ، توجه آن بزرگوار نیز به آن اندک ، و به اندازه ای است که ضرورت بقای آن ایجاب می کند . دنیا کشتزار آخرت و راهی به سوی آن است و خود آن ، هدف و مطلوب با لذات نیست و توفیق از خداوند است<sup>۲</sup>.

۱-۱-۳ **روشنی عقلا و اصحاب** : در خطبه ۶۳ دنیا از دیدگاه عقلا "همچون بازتاب سایه است". " فَإِنَّهَا عِنْدَ دَوَى الْعُقُولِ كَفَى الظِّلِّ بَيْنًا تَرَاهُ سَابِعًا حَتَّى قَلَصَ وَ زَائِدًا حَتَّى نَقَصَ " با این توصیف که حضرت برای دنیا آورده اند ، اشاره به زود از بین رفتن دنیا کرده اند و سپس خردمندان را به درک این حقیقت به دو دلیل اختصاص داده اند.

الف- چون خردمندان از دیدگاه هوی و هوس به امور نگاه نمی کنند ، بلکه نظر آن ها با سنجش عقل همراه است.

ب- وقتی که به گویی خردمندان چنین نظری دارند ، شنوندگان تمایل پیدا می کنند ، که در موضوع بیش تر دقت کنند.

چون منظور حضرت از بیان این عبارت ، متوجه ساختن شنوندگان به زوال و از بین رفتن سریع دنیاست ، که درست بنگرند و عاقبت دنیا را در نظر بگیرند ، این امر را به خردمندان نسبت داده است ، تا شنوندگان از عقلا پیروی کنند.

۲- **روشنی مواجهه مذموم با دنیا** : امام در حکمت ۱۵۰ در نکوهش خواهی ناشایسته فرمود : مباش کسی که بی عمل و کردار (عبادت و بندگی) به آخرت امیدوار است و به امید دراز ، توبه و بازگشت را پس می اندازد ، درباره دنیا گفتارش ، گفتار پارسایان و رفتارش رفتار خواستاران است ، اگر از (کالای) دنیا به او داده شود ، سیر نگردد و اگر به او نرسد ، قناعت نکند ( به بهره خود خرسند نماند ) ، ناتوان است از سپاسگزاری آن چه ( نعمت هایی که ) به او داده شده است ، اگر بلا و سختی برایش پیش آید با نگرانی دعا و زاری نماید ، چون راحتی و خوشی به او دست دهد از روی غرور و فریب ( به کالای دنیا از خدا ) دوری گزیند نفس ( اماره ) بر او مسلط است به آن چه ( آمرزش گناهان که ) گمان دارد ، چون به توانگری رسد ، شاد شده در فتنه و گمراهی افتد ( پی هم گناه می کند ) و چون تنگدست گردد ( از رحمت خدا ) نومید شده و ( در عبادت و بندگی ) سستی نماید ، اگر به او شهوت

<sup>۱</sup>- بحرانی، میثم بن علی، ترجمه شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۵۲۰

<sup>۲</sup>- بحرانی، میثم بن علی، ترجمه شرح نهج البلاغه، ج ۳، صص ۲۵۲-۲۵۱.

و خواهشی (آسایش و خوشی) روی آورد نافرمانی پیش گرفته، در آن چه (دنیا و کالای آن که) فانی و نابود گردد کوشش می نماید و در آن چه آخرت و آن چه در آنست که باقی و جاوید است سهل انگاری می کند.<sup>۱</sup>

**۱-۲- روش دنیاگرایان:** امام در خطبه ۳۲ در مورد اقسام دنیاگران به روش مواجهه آن ها می پردازد. امام (ع) در این بخش از خطبه تحلیل دقیق و جالبی در باره تقسیم دنیا طلبان به چهارگروه بیان فرموده اند. تحلیل حضرت نه تنها برای آن زمان بلکه در هر عصر و زمانی صادق است. حضرت در آغاز می فرماید: و مردم چهارگروهند، النَّاسُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَصْنَافٍ. (۱. گروه اول: ظالمان بدون ابزار فساد) «گروهی از آن ها کسانی هستند که اگر دست به فساد نمی زند به خاطر این است که روحشان ناتوان و شمشیرشان کند و مالشان اندک است، (مِنْهُمْ مَنْ لَا يَمْتَعُهُ الْفَسَادُ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَهَانَةً نَفْسِهِ، وَ كَالَأَلْفِ حَدِيدٍ، وَ نَضِيزٌ وَقْرُهُ). به تعبیر معروف، آن ها آب پیدا نمی کنند و گرنه در صحنه فساد شناگران ماهری هستند.<sup>۲</sup> حضرت سپس به شرح صفات گروه دوم و اهداف و پایان کارشان می پردازد. گروه دوم مفسدین می باشند و می فرماید: گروه دیگر آنانند که شمشیر کشیده و فساد و شرارت خویش را آشکار ساخته و لشکرسواره و پیاده خود را گردآوری کرده اند. (وَ مِنْهُمْ الْمُصَلِّتُ لِسَيْفِهِ وَ الْمُعْلِنُ بِشَرِّهِ وَ الْمُجَلِبُ بِخَيْلِهِ وَ رَجَلِهِ). آن ها باطن خود را برای ظلم و فساد آماده ساخته و دین خود را تباه کرده اند. هدف آن ها همان است که امام علیه السلام به آن اشاره فرمود: «هدفشان، آن است که: چیزی از متاع دنیا را به چنگ آورند یا برای خود فرماندهی بر گروهی را فراهم سازند یا بر منبری صعود کنند» گروه سوم صاحبان تزویر: «گروه دیگری از مردم کسانی هستند که دنیا را با کارهای آخرت طلب می کنند نه این که آخرت طلب کنند» «وَ مِنْهُمْ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ وَ لَا يَطْلُبُ الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا» در واقع هدف آن ها همان هدف گروه دوم است؛ با این تفاوت که آن ها حطام دنیا را به زور و ظلم به چنگ می آورند و این ها با تزویر و زبان کاری و فریب کاری و خودنمایی. گرچه هر دو گمراهند و ظالم و دنیاپرست، ولی شاید حال این گروه از پاره ای از جهات از حال گروه نخست بدتر هم باشد؛ چرا که دین الهی را سرمایه دنیای خود ساختند و با این عمل هم دنیای مردم را ویران می کنند و هم دینشان را. گروه چهارم زاهدان ریایی: «گروه دیگر» کسانی هستند که حقارت و ناتوانی و نداشتن وسیله کافی آنان را از رسیدن به جاه و مقام بازداشته و دستشان را از همه جا کوتاه کرده است. (در حالی که از دیگر فاسدان چیزی کم ندارند. ولی هرگز به این ناتوانی و ضعف درونی اعتراف نمی کنند)، بلکه خود را به زیور قناعت آراسته و به لباس زاهدان درآمده اند، در حالی که در هیچ زمان نه به هنگام شب و نه روز در سلک پارسیان راستین نبوده اند.<sup>۳</sup>

**۲-۲- استفاده ابزاری از دین:** امام علی (ع) در خطبه سوم در مورد دسته ای از افراد فرمودند: «وَمِنْهُمْ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ» در واقع این عبارت دلالت بر استفاده ابزاری از دین است و اینان افرادی هستند که در به دست آوردن دنیا قدرت ندارند؛ با اینکه تمام درب ها را زده و خود را برای بدست آوردن ثروت و مال سوای جاه طلبی و ریاست و پادشاهی آماده کرده اند. گفتار حضرت درباره اینان که دنیا را با کار و آخرت طلب می کنند، اشاره است به اینکه برای بدست آوردن دنیا فریبکاری می کنند و با ریاکاری و ظاهرسازی در طلب دنیا هستند. فریبکاران ظاهر ساز این نوع رفتار را وسیله ای برای نیل به آرزوها و مقاصد از بین رونده دنیای خود ساخته اند. اینان چنان هستند که ستار بودن خداوند و ظاهر دین را ابزار معصیت و گناهکاری خویش قرار داده اند.<sup>۴</sup>

## ارتباط دنیا و آخرت

### ۱- رابطه دنیا با آخرت

– **دنیا و آخرت مانند دو کفه ترازو هستند:** امام سجاد (ع) فرمودند: هر که در سایه ی آرامش دهنده های خداوند آرامش نیابد، دلش از حسرت های دنیا تکه تکه شود. به خدا سوگند که دنیا همانند دو کفه ترازو است، که هر کدام سنگین شود و فرا رود کفه ی دیگر از سبکی فرو ریزد.

<sup>۱</sup> - فیض الاسلام، سید علی نقی، ترجمه شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۱۱۶۲-۱۱۶۱.

<sup>۲</sup> - فیض الاسلام، سید علی نقی، ترجمه شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۱۱۷۲.

<sup>۳</sup> - فیض الاسلام، سید علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۵۱۵.

<sup>۴</sup> - همان، ص ۱۴۷.

## تضاد بین دنیا و آخرت

از بعضی از آثار دینی چنین استشمام می شود که میان دنیا و آخرت تضاد است مثلاً با پژوهش در سخنان امام علی (ع) در زمینه دنیا و آخرت و مطالعه و بررسی آنها از یک سو و تشویق حضرت به کار و کوشش اقتصادی روبرو می شویم و از سوی دیگر با تعبیرهایی مانند «کل ارباح الدنيا خسران ثروه الدنيا فقر الاخره»<sup>۱</sup> که ظاهراً در تنافی با دیدگاه نخست امام است مواجه شویم. مقصود از ارباح دنیا چیست که باعث زیان می شود؟ مقصود، لذت ها، تمتعات، درآمدها و ثروت ها و سودهای اقتصادی است که به سبب بهره مندی بیش تر از دنیا و لذت طلبی و خوشگذرانی و ... کسب شده باشد و گرنه کسب مال و ثروت و سود و برخورداری از لذت های حلال و طیبات که با نگرش «لَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا»<sup>۲</sup> در پی آن باشیم خسران نیست؛ بلکه رشدی است که کمک و یاری خوبی برای دین داری به شمار می رود و پلی برای رسیدن به آخرت است.<sup>۳</sup>

## جمع دنیا و آخرت

حضرت در این باره می فرمایند: «وَإِنَّ الْمَالَ وَالْبَيْنِ حَرْثُ الدُّنْيَا وَالْعَمَلَ الصَّالِحَ حَرْثُ الْآخِرَةِ وَقَدْ يَجْمَعُهُمَا اللَّهُ تَعَالَى لِأَقْوَامٍ»<sup>۴</sup> «مال و فرزندان نصیبۀ این جهان است و کردار نیک، کشته ای برای آن جهان که خدا نعمت دنیا و نعیم آخرت را به مردم می بخشد». مال و فرزندان کالا و محصول این جهان و در صفت فنا و نیستی، با دنیا شریک اند ولی عمل صالح متاعی است که به سبب ماندگاری قابل عرضه در سرای دیگر است.<sup>۵</sup>

## مقایسه دنیا با آخرت

۱- **مثل طالبان دنیا و طالبان آخرت:** امام (ع) در نامه ۳۱ در بخشی از آن نامه فرزندش را در آگاه ساختن دنیا و آخرت برای طالب دنیا و آخرت دو مثل آورده است تا ایشان (فرزند امام (ع)) از جمله کسانی باشد که از دنیا روی گردان و به آخرت علاقمند است. مثل اول مثل کسی است که دنیا را آزموده و از ناپایداری و گذران بودن آن آگاه شده است و همچنین آخرت را آزمایش کرده و به بقای آخرت و نعمت هایی که برای اهل آن مهیا شده پی برده است و آنان را به گروه مسافرانی تشبیه کرده که به قصد منزل گاهی پر آب و علف، منزل تنگ و نامساعد را ترک گویند و حکمت اقتضا کرد که در این عالم هیبوط کرده و بر این کالبدهای مادی، دور از عالم مانوس خود دو سرای غربت و جای وحشت منزل گزینند، تا بدان وسیله به کسب کمالات عقلی که تنها از طریق این عالم میسر است، نائل آید. آن گاه پس از کسب کمالات از این جا به همان عالم بالا و منزله از وابستگی های این کالبدها و اشکال پست آنها، باز گردد. او رنج این سفر را از قبیل سختی گرسنگی و تشنگی و بیدار خوابی، به خاطر رسیدن به منزلی فراخ و جایگاهی آرام تحمل می کند از این رو، دزدی را احساس نکرده و آنچه از مال و جان در این راه صرف می کند، غرامت به شمار نمی آورد و بالاخره نفوس بشری در جهانی که بیان شد، تشبیه شده است به کسی که به منزلی تنگ و قحطی زده رسیده باشد، آن گاه دریابد که منزلی خوش و خرم، در پیش است و اندیشه نیکویش چنین اقتضا کند که رنج و زحمت سفر بدانجا را تحمل کند تا برآسایشی بزرگ دست یابد.<sup>۵</sup>

## ۲- حقارت نعمت ها و زینت های دنیا در مقابل آخرت

امام علی (ع) در خطبه ۲۳ توجه بیشتری به پستی و ناچیزی اموری داده اند که ریشه تمام جنجال ها و کشمکش های رذایل اخلاقی هستند که بزرگترین و با اهمیت ترین آنها را در نزد مردم دو چیز دانسته و فرموده اند: «وَإِنَّ الْمَالَ وَالْبَيْنِ حَرْثُ الدُّنْيَا وَ

<sup>۱</sup> - غرر الحکم، ج ۵ ص ۴۷۰

<sup>۲</sup> - قصص، آیه ۷۷

<sup>۳</sup> - بحرانی، میثم بن علی، ترجمه شیخ نهج البلاغه، جلد ۵، صص ۲۹۳-۲۹۲

<sup>۴</sup> - همان، ص ۱۳۹.

<sup>۵</sup> - رشاد، محمد، دانش نامه امام علی (ع) جلد ۷، صص ۱۴۰-۱۳۷.

الْعَمَلُ الصَّالِحُ حَرْثُ الْآخِرَةِ» « ثروت و فرزندان حاصل دنیای انسانند » و این دو بزرگترین اسباب اصلاح دنیای انسان و برترین زینت های موجود اند .

### شناخت معایب دنیا و راه های مواجهه با آن

۱- **توجه به هشدارها و گذرا بودن دنیا :** در خطبه ۱۵۲ « أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَصَرَّمَتْ ، وَأَذْنَتْ بِانْقِضَاءِ » با این که انسان مادام که در دنیاست زندگی می خواهد ، و باید آبرومندانه و بدون وابستگی به دیگران حیات مادی خود را اداره کند. در بسیاری از خطبه ها در نهج البلاغه به زهد در دنیا توصیه شده است و پی در پی هشدار می دهد که دنیا فانی و سریع الزوال است ، همه باید آماده کوچ کردن از دنیا باشند و خود را برای سفر بزرگی که در پیش دارند آماده کنند.

۲- **توجه به پند گرفتن از دنیا و بینایی :** امام در حکمت ۱۳۱ به ستایش دنیا در مقابل نکوهش کننده آن می پردازد ، به پند گرفتن از دنیا با توجه به عبرت آمیز بودن آن می پردازد و علل آن را بیان می فرماید و این می تواند از راهکارهای پرهیز از دنیا و فریب نخوردن از آن می باشد و سرای پند است برای کسی که از آن پند گیرد.

۳- **عبرت از گذشت دنیا :** امام در نامه ۶۹ به حارث همدانی می فرماید : « و به گذشته دنیا عبرت و پندگیر برای مانده آن و بدان که مانده ، همچون گذشته با هزاران درد و اندوه خواهد گذشت ؛ زیرا بعضی آن مانند بعضی دیگر و آخرش به اولش پیوسته و همه آن نابود شونده و از دست رفته است .

۴- **روش عملی مواجهه با دنیا :** پیشنهادات حضرت علی (ع) برای دوری از معایب دنیا به قرار زیر می باشد :

#### ۴-۱- اعراض از رذائل اخلاقی و توجه به فضایل اخلاقی

حال که دنیا را با راهنمایی امام بزرگوارمان شناختیم به نکته مهمی می پردازیم که می توان به وسیله آن از معایب دنیا دوری می نماییم و به سمت سعادت بشری نزدیک می شویم.

۴-۱-۱- **تمسک به قرآن و حبل خداوند :** در توصیف قرآن در خطبه ۱۸۳ که می توان از عوامل بازدارنده انسان از دنیاگرایی باشد ، اینگونه آمده : « فَأَلْقُرْآنُ أَمْرٌ زَاجِرٌ وَ صَامِتٌ نَاطِقٌ » ، یعنی قرآن اوامر و نواهی ای دارد و در برابر بعضی از امور که مصحلت در سکوت بوده ، ساکت شده است و در برابر اموری که آگاهی از آن برای همگان لازم بوده زبان گشوده است با اینکه قرآن به حسب ظاهر خاموش است ، ولی در حقیقت با صد زبان سخن می گوید و حقایق را فاش می سازد .

۴-۱-۲- **توجه به قرآن و دوری از شیطان :** در خطبه ۸۳ آمده : « و به آنچه (قرآن کریم) و اضح و آشکار نموده حجت تمام کرده است و شما را از دشمنی (شیطان) ، ترسانیده است .

۴-۱-۳- **اطاعت خداوند و توجه به او :** از راهکارهای پرهیز از دنیا اطاعت خداوند می باشد چنانکه امام در نامه ۶۹ به حارث همدانی می فرمایند : و بپرهیز که مرگ به تو برسد و تو از (اطاعت) پروردگارت برای به دست آوردن دنیا گریزان باشی و از راه های اطاعت خداوند ، تقواست.

۴-۱-۴- **زاد و توشه تقوا :** در خطبه ۱۳۲ بر تقوا تاکید نمودند : پس هنگامی که بر نیستی دنیا و فناى آن آگاهی یافتید دنیا را غنیمت بشمارید برای ذخیره آخرت و ذخیره آن تقواست.

۴-۱-۵- **خودداری از حرام :** در نامه ۴۵ امام در یاری رساندن با پرهیزکاری به ایشان (امام) مقصود آن بزرگوار خودداری از کارهای حرام و بعد کوشش در راه طاعت پروردگار است.

۴-۱-۶- **توجه به پرهیزکاری و هدف از خلقت انسان :** در حکمت ۳۷۰ آمده : چون پرهیزکاری و توشه گرفتن از دنیا برای سفر الی الله هدف از خلقت انسان است ناگزیر امام (ع) در آغاز تمام خطبه هایش آن را آورده و به این هدف آفرینش توجه می داده است و هم این که هدف نهایی انسان آخرت است و دنیا نیست ، هرچند که به جای هدف نهایی ، دنیا خود را جلوه گر سازد و مانع شناخت آن گردد .

۴-۱-۷- **گرامی داشتن نفس :** در نامه ۳۱ آمده : « و گرامی دار نفسست را از هر زبونی و پستی هرچند ترا به نعمت های بی شمار رساند زیرا هرگز بربر آنچه از نفس خویش صرف می کنی عوض نخواهی یافت و بنده دیگری

مباش (به طمع مال و جاه به کسی سر فرود نیاور) که خدا ترا آزاد گردانید، و چه خوبی دارد نیکوئی (مال و جاهی) که نرسد مگر به بدی (ریختن آبرو نزد دیگری) و چه سودی دارد گشایشی که به دست نمی آید مگر به دشواری و اگر توانائی داری که بین تو و خدا بخشنده ای نباشد چنان خواه (آبروی خود پیش دیگری مریز)<sup>۱</sup>.

**۴-۱-۸- الگو قرار دادن دوستان خدا و مبارزه با هوای نفس:** در حکمت ۴۳۲ امام دوستان خدا را با ده صفت مشخص می کند که با الگو قرار دادن آنان، می توان از دنیاگرایی پرهیز نمود. که یک نمونه آنها مبارزه با نفس اماره می باشد و می فرمایند « آنچه را که از دنیا ممکن بود باعث نابودی آنها شود، آنها نابود ساخته اند، یعنی نفس اماره ای که می ترسیدند، بر آنها غلبه کرده و بر عقلشان چیره شود و در نتیجه باعث مرگ و نابودی آنها در آخرت گردد.

**۴-۱-۹- دوری از آرزوها:** امام در نامه ۳۱ به همین مسئله اشاره می نمایند که انسان هرگز به آرزوی خود نخواهد رسید و هرگز از مرگ خویش نتواند رست.<sup>۲</sup> و در حکمت ۳۳۴ جهت ترغیب به دوری دنیا و ترس از خدا به دلایل آن می پردازد که یکی آن موارد نرسیدن به آرزوهاست. « ای گروه مردم، از خدا بترسید، چه بسا کسی که امید دارد به چیزی که به آن نمی رسد.<sup>۳</sup>

**۴-۱-۱۰- قناعت:** از راه های پرهیز از دنیاگرایی، قناعت می باشد که در حکمت ۳۴۹ می فرماید: «الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ» و قناعت، (خرسند بودن به بهره خود) دارائی است که نیست گردد.

**۴-۱-۱۱- ادای واجبات (انفاق):** در خطبه ۱۴۲ امام یکی از راه های پرهیز از دنیاگرایی را این گونه فرمودند: پس به کسی که خداوند ثروتی عطا فرموده، باید با آن مال خویشان را کمک و یاری کند و از آن مال (آشنایان را) مهمانی شایسته نماید (بهر کسی مناسب حال خودش) و یا اسیر و گرفتار را رهائی بخشد و از آن به درویش و وام دار عطا کند و باید شکیبایی ورزد بر ادای حقوق و دفع حوادث و پیش آمدها، این ها را برای به دست آوردن ثواب و پاداش الهی بنماید پس پیروزمند شدن به این بخشش ها در دنیا باعث بزرگ شدن و خوشنام بودن نیکی و در آخرت وسیله رسیدن به درجات عالی است، اگر خدا بخواهد.<sup>۱</sup>

**۴-۱-۱۲- تسلیم و رضا در برابر خواست خدا:** در خطبه ۲۳ به نکته مهمی اشاره شد و آن تفاوت هایی که از نظر استعداد و شرایط جسمی و روحی و فردی و اجتماعی وجود دارد و همین ها منشأ تفاوت های زیادی در امکانات مادی و مالی می گردد. این جا است که افراد عقب مانده گرفتار واکنش های گوناگون منفی می شوند و یا سعی می کنند که خود را به آب و آتش بزنند و از حلال و حرام چشم بپوشند و در مسابقه ای که پایانش معلوم نیست. با افراد پیشرو در جهات مادی، شرکت کنند از سوی دیگر گروهی که بهره زیادی دارند، آنها نیز ممکن است به خودبینی و خودبزرگ نگری و کبر و غرور و طغیان و مفاسد عظیم دیگری که با کمی دقت آشکار می گردد، مبتلا شوند.<sup>۲</sup>

**۴-۱-۱۳- بی ارزشی مال:** امام در خطبه ۱۷۳ با هشدار به اینکه (ألا و آنها لیست بباقیه لکم و لا تبقون علیها)، به این پیامد اشاره می کند که مال و متاع دنیا برای کسی باقی نمی ماند و مردم هم در این جهان، پایدار نمی مانند.

**۴-۱-۱۴- رعایت حقوق مردم:** امام در نامه ۵۰/ مخاطب آن فرماندهان لشکر می باشد می فرماید: پس از حمد الهی وظیفه فرمانده این است که بر اثر قدرتی که به آن دست یافته، نسبت به زیردستان خود تغییر روش ندهد.

**۴-۱-۱۵- یاد مرگ:** در خطبه ۹۹، امام می فرمایند: آگاه باشید، در هنگام شتاب به انجام کارهای زشت، مرگ را به بیاد آورید که لذت ها خوشی ها را ویران می کند و عیش ها را بهم می زند و آرزوها را قطع می نماید.<sup>۳</sup>

**۴-۱-۱۶- عبرت از گذشتگان و مرگ:** امام در خطبه ۹۹ فرمودند: « آیا در آثار پیشینیان (که باقی مانده است) چیزی نیست که شما را (از کارهای ناپسندیده) باز دارد، و آیا در گذشتن پدران شما (که مرده و اثری از آنها باقی نمانده) عبرت و پندی

<sup>۱</sup>-همان، ص ۸۰۱

<sup>۲</sup>- فیض الاسلام، سید علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۸۳۷

<sup>۳</sup>- همان، ص ۹۳۰



نیست، اگر تعقل و اندیشه نمائید آیا ندیدید که گذشتگان از شما باز نمی گردند، و جانشین های آنها که زنده هستند باقی نمی ماندند.<sup>۴</sup>

**۴-۱-۱۷- اعتماد نکردن به دنیا :** در خطبه ۱۱۱ آمده : « کم واثقٍ بها قد فجعته، وذی طمأنینةٍ إليها قد صرعته، وذی اختیالی فیها قد خدعته، وکم من... ». چه بسیارند کسانی که به آن اعتماد کردند و آنان را دردمند ساخت و کسانی که به آرامش یافتند و آنان را بر زمین زد، و چه مردان با عظمت و شکوهی را که خرد و زبون گردانید، قدرت و دولت آن در گردش و ناپایدار، و زندگی آن تیره و مکدر است.<sup>۵</sup>

**۴-۱-۱۸- ناظر دانستن خداوند :** از دیگر راهکار پرهیز از دنیاگرایی، ناظر دانستن خداوند بر اعمال ماست و عدم غفلت از ما یکی از راه های پرهیز از دنیاگرایی عبارت بسیار زیبای مولی علی (ع) در خطبه ۱۷۵ می باشد که فرمودند : « ایها الغافلون غیر المغفول عنهم و التارکون و الماخوذ منهم ». شارحان گفتند: کسی که غفلت نمی کند از ما آن خداوند هست و اوست می داند آنچه در نهان و آشکار است، وی می پرسد از ما تمام بزرگ و کوچک (یسألنا عن کل کبیره و صغیره) و این صحیح است و شکی در آن نیست (و لکن هناك أيضا ظروف و أحداث تفعل فینا فعلها، تؤثر اثرها و من ذهل عنها فقد استهان بنفسه و مستقبله، و بالخصوص فی هذا العصر، عصر النظورات و المناجات... )<sup>۶</sup>

**۴-۱-۱۹- دقت نمودن به استفاده درست از مال حلال :** امام در نامه سوم به شریح قاضی می فرماید : « پس ای شریح بنگر مبادا این خانه را از مال غیر خریده باشی، یا بهای آنرا از غیر حلال داده باشی که در این صورت زیان دنیا و آخرت برده ای »

**۴-۱-۲۰- اندیشیدن در ترک دنیا :** امام، در خطبه ۱۰۳ دعا می کند برای کسانی که می اندیشند و از اندیشه خود سود برده و به وسیله آن عبرت می گیرند، بدین معنا که ذهن را به آنچه حق و سزاوار است منتقل می سازند که وجوب ترک دنیا و کار و کوشش برای آخرت است و این توجه و انتقال ذهن موجب ادراک حق و مشاهده با چشم باطن برای او خواهد بود.<sup>۷</sup>

## علل و عوامل و پیامدهای دنیا گرایی و ضرورت شناخت آن

### علل دنیاگرایی

#### ۱- علل درونی دنیاگرایی

– **خواهش های نفسانی و آرزوها :** آرزوهای طولانی تصویری غیرواقعی از آینده به انسان نشان می دهد. امام در خطبه ۴۲ می فرماید : درازی آرزو آخرت را از یاد می برد زیرا ذهن انسان هنگامی که به آرزو مشغول می شود، به یاد آخرت نمی افتد و در حکمت ۳۶ نیز به این مسئله اشاره شده است.

– **بی تقوایی :** امام در خطبه ۱۳۰ خطاب به ابادر سخنانی فرمودند، تا بدانجا می رسد که می فرماید : **ثُمَّ اتَّقَى اللَّهَ، لَجَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْهُمَا فَرْجًا وَمَخْرَجًا.** آشکار است که تقوا را شعار خود گردانیدن، پرهیزکاری را شیوه خود ساختن، سبب قاطعی است که انسان بتواند از دنیا و خوشی های آن چشم بدوزد.<sup>۸</sup>

– **غفلت از خداوند :** امام در حکمت ۱۲۷ علت غفلت از خداوند اینگونه اشاره فرمودند : و خدا را راهی نیست در کسیکه در دارائی و جانش بهره ای برای خدا نباشد. (و لا حاجةً لله فیمن لیس لله فی ماله و نفسه نصیب). و خانه دل را با یاد خدا آباد ساختن از سفارشات امام به فرزندش می باشد.

<sup>۱</sup> - همان، ص ۴۳۳

<sup>۲</sup> - مکارم شیرازی، ناصر، منبع پیشین، ص ۴۳

<sup>۳</sup> - همان، ج ۲، ص ۲۹۴

<sup>۴</sup> - همان، ج ۲، ص ۲۹۴

<sup>۵</sup> - همان، ج ۳، ص ۱۴۸

<sup>۶</sup> - مغنیه، محمد جواد، فی ضلال نهج البلاغه، ج ۲، ص ۵۲۱

<sup>۷</sup> - بحرانی، میثم بن علی، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۸۰

<sup>۸</sup> - همان، ج ۳، ص ۲۶۷

– **فراموشی آخرت و نعمت های آن** : در خطبه ۱۱۲ به فراموشی آخرت و نعمت های آن این گونه پرداخته شده : آنچه که موجب شده انسان به تعلقات دنیوی اهمیت دهد ، ضعف اعتقادی وی به وعده هایی بود که خداوند به نیکان و پرهیزگاران در آخرت داده است ، وعده به نعمت هایی که نفیس ترین متاع دنیا در برابر کمترین آنها تاچیز است ، لیکن اگر دیده بصیرتش باز و دارای آن درجه از معرفت باشد که جز با یاد خدا شادمان نشود، و جز به او انس نگیرد ، در آخرت بهره او بزرگ و سعادت او کامل خواهد بود.<sup>۱</sup>

– **عشق و دوستی افراطی** : امام یکی از علل دنیاگرایی را در خطبه ۱۰۹ عشق و دوستی افراطی بیان فرمودند زیرا هر کس در محبت چیزی زیاده روی کند آن چیز چشم او را می پوشاند و قلب او را مریض می گرداند زیرا شدت محبت به آن چیز مانع از آن می شود که به مصالح آن چیز بنگرد. و کل اشتغال او به معشوقش می شود و معایب معشوق را نمی نگرد ماحصل آنکه اهل دنیا به علت شدت محبت آنان به دنیا چشم هایشان از آخرتشان کوتاه شده است و دلهايشان از توجه به عقبی و آخرت بیمار گشته است.<sup>۲</sup>

– **صفات رذیله انسانی** : امام علی (ع) در مبحث علل درونی دنیا گرایی قسمتی به نام صفات رذیله انسانی دارند. این صفات رذیله انسانی را می توان به بخش های حرص و طمع ، عدم قناعت ، بخل و خودپرستی و حسادت و ... تقسیم نماییم.

۲- علل بیرونی دنیاگرایی

– **فریبندگی دنیا** : امام (ع) در خطبه سوم به علل دنیاپرستی مردم و شکستن پیمان خود را با خدا و خلیفه این گونه اشاره می کند و می فرماید : «گویی آنها این سخن خدا را نشنیده بودند که می فرماید : سرای آخرت و تنها برای کسانی قرار می دهیم که نه خواهان برترجویی و استکبار در روی زمین باشند و نه طالب فساد و عاقبت نیک از آن پرهیزکاران است « كَانَهُمْ لَمْ يَسْمَعُوا اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ».<sup>۳</sup>

– **وابستگی به مال و مقام و فرزند** : البته با توجه به مطالب گفته شده دنیا توسط عواملی انسان را می فریبد ، که در این خطبه وابستگی به مال و مقام و همسر و فرزند از عوامل دنیاگرایی است. امام در خطبه ۲۰۴ در برحذر داشتن از دنیا به چایی می رسد که می فرماید (فَقَطِّعُوا عِلَاقَ الدُّنْيَا وَ اسْتَظْهِرُوا بِرَادِ التَّقْوَى). از دنیاپرستان فاصله بگیرید. وابستگی های دنیا را با خود قطع کنید. منظور از علائق دنیا وابستگی شدید به مال و مقام و همسر و فرزند است ، آن گونه وابستگی که انسان را از خدا غافل می کند و ارتکاب گناه را برای رسیدن به دنیا آسان می سازد و زرق و برق ها را در نظر جلوه می دهد. پس در اینجا علل دنیا گرایی مال و مقام و همسر و فرزند است.

– **رسیدن به حکومت** : در خطبه ۷۴ آمده : طالبان خلافت و رقابت کنندگان بر سر جاه و مقام قصدی جز دنیا و زینت های آن نداشته اند<sup>۴</sup> و امام در این خطبه می فرماید : برای بی رغبتی بمال و زینت دنیا (ریاست و بزرگی) است که شما به آن شائق هستید و من خلافت را به کسیکه لیاقت آن را ندارد وا می گذارم تا بداندن طالب بدست آوردن ریاست و بزرگی دنیا نیستیم.<sup>۵</sup>

– **شادی و مستی ناشی از وفور نعمت** : امام در پایان خطبه ۶۴ از خداوند استدعا می کنند که از سه چیز آن حضرت را خلاصی بخشد که از علل دنیاگرایی است. شادی فراوان به نعمت های دنیا و توسعه بیش از حد آن ، زیرا داشتن مال دنیا و شاد بودن از آن، موجب داشتن است و لازمه آن هلاکت همیشگی است.

– **شیطان و اغوای آن** : امام در خطبه ۱۹۲ بخش چهارم یکی از علل دنیاگرایی را اغواء شیطان معرفی نمودند و می فرمایند : « به جانم سوگند ! او تیری خطرناک را برای شما آماده نمود ، در کمان گذارده و با قدرت تا آخرین حد کشیده و از مکانی نزدیک به سوی شما پرتاب نموده است : (فَلَعَمْرِي لَقَدْ فَوَّقَ لَكُمْ سَهْمَ الْوَعِيدِ، وَ اَعْرَقَ لَكُمْ بِالنَّزْعِ الشَّدِيدِ، وَ رَمَاكُمْ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ). آن گاه شاهد این سخن را از کلام ابلیس (طبق آیه های قرآن) چنین بیان می کند : « شیطان گفته است رودگارا ! بدین جهت که مرا اغوا کردی (و از رحمت خود محروم ساختی) زرق و برق زندگی دنیا را در چشم آنها جلوه می دهم و همه را اغوا می کنم (و از رحمت محروم می سازم).

<sup>۱</sup> همان، ج ۳، ص ۱۶۱-۱۶۰

<sup>۲</sup> هاشمی خوئی، میرزا حبیب ا. . . منهاج البراهه فی شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۳۳۱-۳۳۲

<sup>۳</sup> سوره قصص / ۸۳

<sup>۴</sup> بحرانی، میثم بن علی، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۴۴۳.

<sup>۵</sup> قی. فیض الاسلام، سید علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۷۲

## پیامدهای دنیای گرای

## ۱- پیامدهای فردی دنیای گرای

- **پستی و کوچکی** : امام در حکمت دوم پیامد دنیای گرای را پستی و کوچکی معرفی نمودند ، «أَزْرَىٰ بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَشَعَرَ الطَّمَعَ» کوچک گردانید خود را کسیکه طمع و آز (به آنچه در دست مردم است) را روش خویش قرار دارد ، (زیرا لازمه طمع فروتنی و نیازمندی است و لازمه نیازمندی و فروتنی پستی و کوچک است).
- **ناراضیتی به هنگام عدالت** : امام در نامه ۵۳ به تقسیم بندی طبقات مردم و ویژگی شان پرداختند : در مورد خواص اینگونه است که به هنگام انصاف و عدالت ناراضی تر بودندشان ، به دلیل آزمندی بیشتر آنها در دنیا نسبت به توده مردم است.<sup>۱</sup>
- **طمع و بردگی همیشگی** : یکی از پیامدهای دنیای گرای طمع ورزی است. خود طمع ریشه بسیاری از رذایل اخلاقی است که در حکمت ۱۸۰ به آن پرداخته شد : طمع مادر رذائل و علت العلل برای فساد و گمراهی در زمین است و آن خارج می کند انسان را از انسانیت و به بندگی می کشاند و به ذلت و پستی، به بندگی برای جباران طاغی و دروغ و خیانت و ظلم و ستم و گناهان دیگر می کشاند.
- **رنج نگهداری اموال** : امام در حکمت ۷۲ اینگونه فرمودند : هر که به روزگار پیروزی یافت ، به رنج افتاد. همچنین امام در توصیه خود به کمیل در رابطه با فرق بین علم و مال درباره یکی از ویژگی مال می فرمایند : ای کمیل ، تو مال را (از تباه شدن) نگاه می داری<sup>۲</sup> و با بخشش کاستی می پذیرد اما علم با بخشش فزونی گیرد.<sup>۳</sup>
- **بهره بردن شیطان** : در نامه هفدهم در مورد معاویه به پیامد دنیا گرای او به بهره بردن شیطان اشاره فرمودند : پس (حال تو که چنین است) برای شیطان در خود بهره ای و به خویشتن راهی قرار مده.<sup>۴</sup>
- **تجمل گرای** : امام در حکمت ۳۵۵ خطاب به یکی از کارگزاران که خانه باشکوهی ساخته بود فرمودند : «أَطْلَعَتِ الْوَرِقُ رُءُوسَهَا إِنْ الْبِنَاءُ يَصِفُ لَكَ الْغِنَى» سکه ها سرهاشان را آشکار کرده اند و ساختمان دارایی تو را وصف می کند، «طُلُوعِ الْوَرِقُ رُءُوسَهَا» کنایه از آشکار شدن از آن سکه ها در ساختمان است.<sup>۵</sup>
- **خودرأیی و هلاکت** : امام در حکمت ۱۶۰ می فرمایند : «من ملک استأثر و من استبدّ براهه هلك» هر کس سبطره یافت ، خودرأیی می شود ، مقصود این است که روش پادشاهان در امور مورد علاقه شان ، خودرأیی و تکروی است از آن جهت که بر دیگران مسلطند و نسبت به خواهشهای نفسانی خود ، بالمانازند. و هر کس که خودرأی شد ، به هلاکت رسید.<sup>۶</sup>
- **غفلت از مرگ و قیامت** : امام در خطبه ۱۱۳ به نکوهش مردمی می پردازد که از یاد مرگ غافل و به آرزوهای دروغین و . . . سرگرم هستند. « وَ الْعَاجِلَةُ أَذْهَبَ بِكُمْ مِنَ الْأَجَلَةِ » دنیا زدگی قیامت را از یاد شما برده است.<sup>۷</sup>
- **سیر نشدن از زندگی** : در خطبه ۱۳۳ می فرمایند : « وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ يَكَادُ صَاحِبُهُ يَشْبَعُ مِنْهُ وَ يَمْلَهُ إِلَّا الْحَيَاةَ » و بدانید او (دنیاپرست کوردل) از هر چه دارا باشد سیر شده و ملول می گردد « بجز از زندگی ، زیرا در مرگ آیشی نمی یابد ».<sup>۸</sup>

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۱۵

<sup>۲</sup> - همان، ص ۱۱۵۷ و ۱۱۵۷

<sup>۳</sup> - فیض الاسلام، سید علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۱۱۱۷

<sup>۴</sup> - همان، ج ۵، ص ۸۶۷

<sup>۵</sup> - بحرانی، میثم بن علی، ترجمه شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۷۰۵

<sup>۶</sup> - بحرانی، میثم بن علی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۵۶۴

<sup>۷</sup> - همان، ج ۳، ص ۱۶۶

<sup>۸</sup> - فیض الاسلام، سید علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۴

## ۲- پیامدهای اجتماعی

– **فساد در زمین**: امام در خطبه ۳۲ در مورد گروه اول از گروه های چهارگانه مردم می فرماید: آنها کسانی هستند که اگر دست به فساد نمی زنند به خاطر این است که روحشان ناتوان و شمشیرشان کند و مالشان اندک است و به تعبیر معروف، آنها آب پیدا نمی کنند و گرنه در صحنه فساد شناگران ماهری هستند.

– **آزار رساندن به دیگران**: امام در حکمت ۴۹ در سفارش به پرهیز از جمله لئیم و ناکس به علت آن که همان پیامد دنیاگرایی است چنین می فرماید: «احذروا... و اللئیم اذا شبع»، پرهیزید از جمله لئیم و ناکس هنگامی که سیر شود.

– **مباح دانستن حرام خداوند و استفاده از بیت المال**: امام در خطبه ۲۰۰ به مباح دانستن حرام خداوند و استفاده از بیت المال توسط بنی امیه فرمودند: «و کلّ فجره کفره» سبب اثبات کفر برای معاویه این است که در این جا مراد عذرکننده ای است که به کار بردن عذر را جایز و حلال بشمارد، چنان که مشهور است که عمرو بن عاص و معاویه آنچه را که حرمت آن از ضروریات دین محمد (ص) بود مباح شمرده و حرمت آن را انکار کردند و معنای کفر همین است شاید هم مراد از کفر ناسپاسی و کفران نعمت های پروردگار و نادیده گرفتن آنها از طریق ارتکاب گناه باشد، چنان که مفهوم لغوی کفر است.

– **مسخ ارزش ها**: امام در خطبه ۱۰۸ در مورد فسخ ارزش ها با روی کارآمدن حاکمان فاسق می فرماید: روزگار به سان درنده خطرناکی حمله ور می شود و باطل بعد از مدت ها سکوت همچون شتر نر نعره بر می آورد. آری گروه های منافق و پس مانده های دوران جاهلیت که از صحنه جامعه اسلامی عقب رانده شده بودند، بار دیگر بر اثر ضعف طرفداران حق به صحنه می آیند و آزادانه فریاد می کشند در این هنگام تمام ارزش ها ضد ارزش و ضد ارزش ها ارزش می شود.

– **قضاوت به سود خود**: و این ظلم و ستم به شیوه دیگری نیز می باشد، چنانکه امام در حکمت/۱۵۰ این گونه اشاره می فرماید: «يَحْكُمُ عَلَىٰ غَيْرِهِ لِنَفْسِهِ وَ لَا يَحْكُمُ عَلَيْهَا لِغَيْرِهِ» در آنچه میل باطنی اش می کشد - هرچند که نادرست باشد - به سود خود و به زبان دیگران قضاوت می کند؛ در صورتی که به زبان خود و به سود دیگران - هرچند که حق باشد حکم نمی کند و این خود ستمکاری است.

– **مستی حاصل از نعمت و ایجاد فتنه (فتنه بنی امیه)**: در خطبه ۱۵۱ به پیامد دنیاگرایی که مستی حاصل از نعمت که نتیجه آن ایجاد فتنه (فتنه بنی امیه) می باشد اشاره شده و امام در این بخش از خطبه، مردم را از فتنه هایی که در پیش است باخبر می کند و برحذر می دارد و می فرماید: «ثُمَّ إِنَّكُمْ مَعَشَرَ الْعَرَبِ اءَعْرَاضُ بَلَايَا قَدِ اقْتَرَبَتْ فَاتَّقُوا سَكَرَاتِ النَّعْمَةِ»، امام در این عبارت به دو عامل مهم از عوامل فتنه اشاره فرموده است که یکی از آن ها مستی حاصل از نعمت است و دیگری مجازات اعمال، که نتیجه آن فتنه هایی است که دامان مردم را می گیرد و آن ها را هدف بالاها قرار می دهد.<sup>۱</sup>

## بحث و نتیجه گیری

### فرضیه اول: از نظر نهج البلاغه دنیاگرایی یک آفت است.

در دیدگاه اسلام، دنیا وسیله تعالی و تکامل است و بهره برداری از آن مباح. ولی ایده آل شدن و هدف قرار گرفتن آن مورد نکوهش قرار گرفته است. مقصود از آفت بودن دنیاگرایی همین است که دنیا (یعنی زن و فرزند، خانه و زندگی، جاه و مقام، نعمت های دنیا و لذت های طبیعی) برای آنها ایده آل و هدف برتر و مقصد عالی قرار گیرد و خود را به آن دلخوش کنند؛ به گونه ای که از کمال مطلوب و هدف اصلی یعنی خدا، عبادت و بندگی و آخرت غافل بمانند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام، ج ۶ ص ۱۵۰.

<sup>۲</sup> - مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام، ج ۷، ص ۱۰۱.

- مذموم و آفت دانستن دنیاگرایی در قرآن

قرآن کریم از کسانی یاد می کند که دنیا را همه چیز و غایت آمال خود به حساب می آورند و تمام همت خود را صرف آن می کنند. برای نمونه درباره عده ای می فرماید: وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ، و گفتند: جز این زندگی دنیوی ما هیچ نیست و ما دیگر بار زنده نخواهیم شد.

- آفت دانستن دنیاگرایی در روایات و نهج البلاغه

اسیر دنیا شدن و از ایده آل بازماندن در روایات معصومین (ع) نیز مورد نکوهش قرار گرفته است. در روایات، ریشه تمام لغزش ها و گناهان انسان به دنیاگرایی ختم شده است «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ»<sup>۱</sup>. امیر مؤمنان صلوات الله علیه پس از تبیین ماهیت و حقیقت دنیا، گرایش مردم نسبت به آن را مورد تذکر قرار داده و می فرماید: الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ لَا دَارٌ مَقَرٌّ وَالنَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ: رَجُلٌ بَاعَ فِيهَا نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا، وَ رَجُلٌ ائْتَعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا<sup>۲</sup>. با توجه مطالب ذکر شده مشخص است که دنیاگرایی هم از دیدگاه قرآن، روایات و نهج البلاغه امری مذموم و بیش از آن آفت تلقی شده از این رو فرضیه اول یافته است.

**فرضیه دوم: مصادیق دنیاگرایی: ناعدالتی، هرج و مرج، فساد اخلاقی، وابستگی به مال و فرزند، وابستگی به علم و مقام علمی، وابستگی به پست، مقام اجتماعی، خودخواهی و... می باشد.**

ناعدالتی: امام در نامه ۵۳ به تقسیم بندی طبقات مردم و ویژگی شان پرداختند: در مورد خواص اینگونه است که به هنگام انصاف و عدالت ناراضی تر بودندشان، به دلیل آزمندی بیشتر آنها در دنیا نسبت به توده مردم است.<sup>۳</sup>

فساد اخلاقی: امام در خطبه ۳۲ در مورد گروه اول از گروه های چهارگانه مردم می فرماید: آنها کسانی هستند که اگر دست به فساد نمی زند به خاطر این است که روحشان ناتوان و شمشیرشان کند و مالشان اندک است و به تعبیر معروف، آنها آب پیدا نمی کنند و گرنه در صحنه فساد شناگران ماهری هستند. و کسانی که از مردم هستند که گفتار آنان در زندگی دنیا مایهٔ اعجاب تو شود و (در ظاهر اظهار محبت می کنند) و خدا را بر آنچه در دل دارند، گواه می گیرند. این در حالی است که آنان سرسخت ترین دشمنانند. (نشانه آن این است که) وقتی که به قدرتی می رسند در فساد در زمین می کوشند و زراعت ها و چهارپایان را نابود می سازند و خداوند را دوست ندارد.

وابستگی به مال و فرزند: امام در حکمت ۷۲ این گونه فرمودند: هر که به روزگار پیروزی یافت (کالای آنرا بدست آورد برای نگاه داری و افزونیش) به رنج افتاد.<sup>۴</sup> همچنین امام در توصیه خود به کمیل در رابطه با فرق بین علم و مال دربارهٔ یکی از ویژگی های مال می فرماید: ای کمیل، تو مال را (از تباه شد) نگاه می داری و با بخشش بکاستی می پذیری ما علم با بخشش فزونی گیرد. وابستگی به علم و مقام علمی، وابستگی به پست، مقام اجتماعی و سیر نشدن از آنها: دوست داشتن جاه و مقام، یعنی مالک شدن قلب ها و به اطاعت واداشتن آن ها که یکی از عوارض مهم دنیادوستی و بسیار هلاک کننده و خطرناک است. با توجه به مطالب فوق روشن است که مصادیق دنیاگرایی، ناعدالتی، هرج و مرج، فساد اخلاقی، وابستگی به مال و فرزند، وابستگی به علم و مقام علمی، وابستگی به پست، مقام اجتماعی و... می باشد بنابر این فرضیه دوم نیز تحقق یافته است.

**فرضیه سوم: از نظر نهج البلاغه عوامل متعددی از جمله ضعف ایمان سبب دنیاگرایی می گردد.**

امام علی (ع) عوامل متعددی از جمله خواهش های نفسانی و آرزوها (در خطبه ۵۲) بی تقوایی (در خطبه ۱۳۰ خطاب به ابادر) غفلت از خداوند (در نامهٔ ۴۱ غفلت از خداوند سبب دنیاگرایی کارگزاران و پیمان شکنی و خوردن بیت المال بیان شده) فراموشی آخرت و نعمت های آن (در خطبه ۱۱۲)<sup>۵</sup>. از این رو می توان ابراز داشت که عوامل متعددی از جمله ضعف ایمان سبب دنیاگرایی می گردد، پس فرضیه سوم نیز محقق شده است.

<sup>۱</sup>- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۲۰.

<sup>۲</sup>- نهج البلاغه، حکمت ۱۳۳.

<sup>۳</sup>- همان، ص ۲۳۱.

<sup>۴</sup>- فیض الاسلام، سید علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۱۱۱۷.

<sup>۵</sup>- همان، ص ۵۵.

فرضیه چهارم: از نظر نهج البلاغه پیامدهای فردی دنیاگرایی: پستی و کوچکی، نارضایتی به هنگام عدالت، طمع و بردگی همیشگی، خروج از قناعت و داخل در ذلت، افزون طلبی و هلاکت ابدی، بخل و عدم انفاق، حسادت، رقابت و دشمنی برسر دنیا، بهره بردن شیطان، تجمل گرایی، مغرور شدن به دنیا و... باشد. پستی و کوچکی: امام در حکمت ۲۲ می فرماید: «الطَّامِعُ فِي وَثَاقِ الدَّلِّ» حریض درگیر ذلت و خواری است. نارضایتی به هنگام عدالت: امام در نامه ۵۳ به تقسیم بندی طبقات مردم و ویژگی شان پرداختند: در مورد خواص اینگونه است که به هنگام انصاف و عدالت ناراضی تر بودندشان، به دلیل آزمندی بیشتر آنها در دنیا نسبت به توده مردم است. طمع و بردگی همیشگی: یکی از پیامدهای دنیاگرایی طمع ورزی است. خود طمع ریشه بسیاری از رذایل اخلاقی است که در حکمت ۱۸۰ به آن پرداخته شد: طمع مادر رذائل و علت اللل برای فساد و گمراهی در زمین است و آن خارج می کند انسان را از انسانیت و به بندگی می کشاند و به ذلت و پستی، به بندگی برای جباران طاغی و دروغ و خیانت و ظلم و ستم و گناهان دیگر می کشاند.<sup>۱</sup>

بهره بردن شیطان: در نامه هفدهم در مورد معاویه به پیامد دنیاگرایی او به بهره بردن شیطان اشاره فرمودند: پس (حال تو که چنین است) برای شیطان در خود بهره ای و به خویشتن راهی قرار مده.<sup>۲</sup> تجمل گرایی: امام در حکمت ۳۵۵ خطاب به یکی از کارگزاران که خانه باشکوهی ساخته بود فرمودند: «أَطْلَعَتِ الْوَرْقُ رُءُوسَهَا إِنَّ الْبِنَاءَ يَصِفُ لَكَ الْغِنَى» سکه ها سرهاشان را آشکار کرده اند و ساختمان دارایی تو را وصف می کند، «طلوع الورق رؤوسها» کنایه از آشکار شدن از آن سکه ها در ساختمان است.

غفلت از هدف آفرینش: امام در خطبه ۱۷۵ تشبیه زیبایی در این مورد فرمودند: (انما هی کالمعلوفه) مناسبتی که در این تشبیه (به گاو و گوسفند) وجود دارد این است که وقتی خوشبختی به انسان روی می آورد و از خوشی ها و لذات دنیا کامیاب می گردد؛ می پندارند که این بهره مندی ها برای او همیشه اوقات برقرار خواهد بود و خیال می کند که هدف از آفرینش او در این جهان تنها سرخوردن و سیراب شدن است و این درست حال گاو و گوسفند است که وقتی علف جلو او ریخته می شود، یا شتاب فراوان آنها را می خورد و اندیشه فردای خود را ندارد و می پندارد که غرض از آفرینش او همین است و بس.

غفلت از مرگ و قیامت: امام در خطبه ۱۱۳ به نکوهش مردمی می پردازد که از یاد مرگ غافل و به آرزوهای دروغین و... سرگرم هستند. «وَالْأَجْلَةُ أَذْهَبَ بِكُمْ مِنَ الْأَجْلَةِ» دنیا زدگی قیامت را از یاد شما برده است. با توجه به مطالب ذکر شده فرضیه چهارم هم مورد تأیید قرار می گیرد.

فرضیه پنجم: از نظر نهج البلاغه پیامدهای اجتماعی دنیاگرایی: فساد در زمین، آزار رساندن به دیگران، ظلم و ستم بر مردم، مباح دانستن حرام خداوند و استفاده از بیت المال، مسخ ارزش ها، قضاوت به سود خود، کشتن خاندان پیامبر (ص)، ایجاد فتنه و ظلم و ستم، مخالفت از دستور خداوند و رسولان او، غفلت و همراه شدن با غافلان و... باشد.

فساد در زمین: امام در خطبه ۳۲ در مورد گروه اول از گروه های چهارگانه مردم می فرماید: آنها کسانی هستند که اگر دست به فساد نمی زنند به خاطر این است که روحشان ناتوان و شمشیرشان کند و مالشان اندک است و به تعبیر معروف، آنها آب پیدا نمی کنند و گرنه در صحنه فساد شناگران ماهری هستند.<sup>۳</sup>

آزار رساندن به دیگران: امام در حکمت ۴۹ در سفارش به پرهیز از جمله لئیم و ناکس به علت آن که همان پیامد دنیاگرایی است چنین می فرماید: «احذروا... و اللئیم اذا شبع» پرهیزید از جمله لئیم و ناکس هنگامی که سیر شود.<sup>۴</sup>

مباح دانستن حرام خداوند و استفاده از بیت المال: امام در خطبه ۲۰۰ به مباح دانستن حرام خداوند و استفاده از بیت المال توسط بنی امیه فرمودند: «و کل فجره کفره» سبب اثبات کفر برای معاویه این است که در این جا مراد عذرکننده ای است که به کار

<sup>۱</sup> - فیض السلام، سید علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۱۲.

<sup>۲</sup> - همان، ص ۱۱۵.

<sup>۳</sup> - بقره ۲۰۴-۲۰۵.

<sup>۴</sup> - فیض السلام، سید علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ص ۱۱۱.

بردن عذر را جایز و حلال بشمارد، چنان که مشهور است که عمرو بن عاص و معاویه آنچه را که حرمت آن از ضروریات دین محمد (ص) بود مباح شمرده و حرمت آن را انکار کردند و معنای کفر همین است شاید هم مراد از کفر ناسپاسی و کفران نعمتهای پروردگار و نادیده گرفتن آنها از طریق ارتکاب گناه باشد، چنان که مفهوم لغوی کفر است.

مسخ ارزش ها: امام در خطبه ۱۰۸ در مورد فسخ ارزش ها با روی کارآمدن حاکمان فاسق می فرماید: روزگار به سان درنده خطرناکی حمله ور می شود و باطل بعد از مدت ها سکوت همچون شتر نر نعره بر می آورد آری گروه های منافق و پس مانده های دوران جاهلیت که از صحنه جامعه اسلامی عقب رانده شده بودند بار دیگر بر اثر ضعف طرفداران حق به صحنه می آیند و آزادانه فریاد می کشند در این هنگام تمام ارزش ها ضد ارزش و ضد ارزش ها ارزش می شود.

قضاوت به سود خود: و این ظلم و ستم به شیوه دیگری نیز می باشد، چنانکه امام در حکمت/۱۵۰ اینگونه اشاره می فرماید: «يَحْكُمُ عَلَىٰ غَيْرِهِ لِنَفْسِهِ وَلَا يَحْكُمُ عَلَيْهَا لِغَيْرِهِ» در آنچه میل باطنی اش می کشد- هرچند که نادرست باشد- به سود خود و به زیان دیگران قضاوت می کند؛ در صورتی که به زیان خود و به سود دیگران- هرچند که حق باشد حکم نمی کند و این خود ستمکاری است.<sup>۱</sup> بنابراین فرضیه پنجم نیز تایید می گردد.

## منابع

### قرآن

### نهج البلاغه

- ابوالحسن محمد بن حسین معروف به سید رضی. (۱۳۷۸). تنبیه الغافلین و تذکره العارفين، ترجمه ملا فتح الله کاشانی. تهران، انتشارات پیام حق.
- ارفع سید کاظم. (۱۳۷۹). ترجمه روان نهج البلاغه (ارفع)، تهران، انتشارات فیض کاشانی.
- تمیم امدی، عبدالواحد. (۱۳۸۸). غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه انصاری، محمد علی. تهران، انتشارات دفتر تبلیغات.
- بحرانی، میثم بن علی. (۱۳۷۵). ترجمه شرح نهج البلاغه، ترجمه محمدی، قربانعلی و یحیی زاده، علی. مشهد، انتشارات بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی
- تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۲). ارباب امانت: اخلاق اداری در نهج البلاغه، چاپ نهم، تهران، انتشارات دریا.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۳). تفسیر موضوعی قرآن، هدایت در قرآن، تهران، انتشارات دیدبان.
- حسینی شیرازی، سید محمد. (بی تا). توضیح نهج البلاغه، تهران، انتشارات دارتراث الشیعه.
- خوانساری، آقا جمال الدین. (۱۳۶۶). شرح غرر الحکم و دار الکلم مصحح، میر جلال الدین حسینی، از سوی مجلات، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- دستغیب، عبدالحسین. (۱۳۸۷). قلب سلیم، چاپ پنجم، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- دشتی، محمد. (۱۳۸۶). ترجمه نهج البلاغه، قم، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع).
- دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود. (۱۳۷۹). اخلاق اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات معارف.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل. (۱۴۱۲ ق). المفردات فی غریب القرآن، ترجمه خسروی حسینی، سید غلامرضا. ج ۱، چاپ دوم، تهران، انتشارات نگاه.
- زمانی جعفری، کریم. (۱۳۶۷). سیری در فرهنگ لغات نهج البلاغه، تهران، انتشارات کیهان.
- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۷۸). ترجمه نهج البلاغه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

<sup>۱</sup> - همان، ج ۳، ص ۲۰۱.

- شیخ حر عاملی. (۱۳۸۳). جهاد النفس وسائل الشیعه، ترجمه صحت، علی. تهران، انتشارات نهانندی.
- طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۸۰). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی.
- عاملی، ابراهیم. (۱۳۶۰). تفسیر عاملی، تهران، انتشارات صدوق.
- علامه مجلسی، محمد و باقر ابن محمد تقی. (۱۳۸۱). ایمان الکفؤ، بحار النوار، ترجمه عزیزا، عطاردی. تهران، انتشارات عطاردی.
- فیض الاسلام، سید علی نقی. (۱۳۷۹). ترجمه شرح نهج البلاغه، چاپ پنجم، قم، انتشارات فقیه.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). تاریخ اسلام در آثار شهید آیت الله مطهری (ره)، گردآوری و تدوین سید سعید روحانی، چاپ اول، قم، انتشارات نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، معاونت امور اساطیر و دروس معارف اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). انسان کامل، چاپ ۴۴، قم، انتشارات صدرا.
- هاشمی خوئی، میرزا حبیب الله. (۱۳۵۸). منهج البراعه فی شرح نهج البلاغه، مصصح سید ابراهیم میانجی، تهران، انتشارات مکتب السلامیه.
- ابن ابی الحدید، عز الدین ابو حامد. (۱۴۱۱ق). شرح نهج البلاغه، جلد ۱۹، مصصح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
- بیهقی، کیذری. (۱۴۰۰ق). حدائق الحقائق، ج ۱، بیروت، دارالعلم للملایین.
- شرقی مراغه، محمدعلی. (۱۳۹۹ق). الجزء الرابع من کتاب قاموس نهج البلاغه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- شعرانی، حاج میرزا ابولحسن. (۱۳۹۸ق). نثر طوبی یا دایره المعارف لغات قرآن مجید، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
- طریحی، فخر الدین. (۱۴۰۱ق). مجمع البحرین، تهران، انتشارات کتابفروشی مرتضوی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین، قم، انتشارات هجرت.
- مغینه، محمد جواد. (۱۴۱۲ق). فی ضلال نهج البلاغه، بیروت، دارالعلم للملایین.
- Lee, Y.R., Kim, J.M., Shin, I.C., Yoon, J.S., & Kim, S.W. (2019). A Comparative Study of Burnout, Stress, and Resilience among Emotional Workers. *Psychiatry Investig*, 16(9), 686–694.
- Padmanabhan, S. (2021). The impact of locus of control on workplace stress and job satisfaction: A pilot study on private-sector employees. *Current Research in Behavioral Sciences*, 2, 100026